



بازشناخت نقش «تألیفی» و «طریقی» معلى بن محمد بصرى در کتاب الکافى

سید احمد موسوی پور*

محسن اسلامی**

جمال الدین حیدری فطرت***

چکیده

«کتاب محور» بودن شیعه در عرصه انتقال احادیث اهل بیت علیهم السلام، باعث شد تا اعتبارسنجی بر محوریت کتابت، پیش روی محدثان قرار گیرد. از پیامدهای این واقعیت، بروز دو گونه نقش آفرینی راویان در دو عرصه «تألیف» و «طریق» در سلسله اسناد احادیث است. در داوری های رجالیان متقدم، شاهد تفکیک میان این دو نقش از راویان بوده ایم. از قرن هفتم هجری با روی کار آمدن اعتبارسنجی نوین سند محور، این نگاه به فراموشی سپرده شد و جای خود را به بررسی توصیفی حلقه های سند، بدون توجه به گونه نقش آفرینی هر کدام داد. نوشتار حاضر، بر آن است که با بررسی بیش از ششصد سند در بردارنده عنوان معلى بن محمد بصرى در کتاب الکافى، به بازشناسی نقش تألیفی و طریقی وی بپردازد. در این راستا، بر پایه کاربست دو ابزار پرکاربرد برای تشخیص نقش راویان یعنی «سنجش همخوانی

* دانش آموخته سطح ۴ رشته رجال الحدیث مؤسسه معارف اهل بیت علیهم السلام (نویسنده مسئول).

sahmadmosavipor@gmail.com

** دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه رضوی. mohsen66islami@gmail.com

*** مدرس حوزه علمیه قم. heidarifetrat@gmail.com

روایات با موضوعات کتاب‌های معلی و نیز توجه به «پردازش‌های کلینی»، گونه نقش‌آفرینی وی نشان داده می‌شود. شناخت نوابزارهایی در بازشناسی مصادر کتاب‌های حدیثی کهن، اثبات نظام‌مندی کلینی در سندنگاری و همچنین تعیین مرزهایی جهت بازپژوهی وصف «اضطراب»، از دستاوردهای دانشی این پژوهش است.

واژگان کلیدی: معلی بن محمد بصری، نقش تألیفی و طریقی، مصادر کتاب الکافی.

۱. مقدمه

چگونگی ثبت و انتقال میراث حدیثی از قرن‌های نخستین اسلام به نسل‌های پسینی، یکی از مهمترین تفاوت‌های مکتب امامت و مکتب خلافت بوده است. ثبت و انتقال میراث حدیثی شیعه، بر پایه مدیریت معصومین (علیهم‌السلام)، از همان سده‌های نخست با محوریت «کتابت» و در قالب «کتاب‌های حدیثی» صورت گرفت. از این رو، تلاشگران این عرصه که در اسناد حضور یافته‌اند، در واقع، رسانندگان این میراث مکتوب به نسل‌های بعدی هستند.^۱ در نقطه مقابل، محدثان عامه، بر پایه حفظ احادیث و با تکیه بر حافظه‌های خویش، احادیث به ذهن سپرده شده را به دیگر راویان انتقال می‌دادند. در این مکتب، انتقال حدیث بر پایه کتابت در سده‌های آغازین، ناپسند شمرده شده و از آن نهی می‌شد.^۲

راهبری حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و در ادامه، امامان (علیهم‌السلام)، مسیر را به گونه‌ای سامان داد که در میانه راه امامت و از آغاز نهضت شکوفایی احادیث در ابتدای قرن دوم، کتاب‌های حدیثی فراوانی تدوین شد و توسط راویان و محدثان شیعی انتقال یافت. نقش‌آفرینی هر راوی در مسیر انتقال هر کتاب، با ثبت نام خویش بر نسخه‌ای از کتاب، بازتاب یافت؛ به گونه‌ای که با کنار هم چیدن نام راویان نقش‌آفرین در انتقال هر کتاب، «سند» احادیث آن کتاب پدیدار شد. در واقع سندنگاری برای احادیث، نشان از فرایند انتقال کتاب‌های حدیثی داشت و نقش هر یک از این راویان را در این اسناد مشخص میکرد. این واقعیت سبب

۱. رک: حسینی شیرازی، اعتبارسنجی احادیث شیعه، بخش سوم از ص ۱۹۴.

۲. مراجعه شود به مقاله «اثبات گستردگی و حاکمیت نقل لفظ بر حدیث شیعه در پرتو کتاب‌محور بودن آن»، نشریه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۴۰۳ ش.

شکل‌گیری دو گروه در میان محدثان شد؛ گروهی که نگارنده کتاب‌های حدیثی هستند و گروهی دیگر که به دریافت و انتقال این آثار ارزشمند پرداخته‌اند.^۱ در اندیشه محدثان متقدم، توجه به نقش راوی، همواره یکی از عناصر تأثیرگذار در اعتبارسنجی حدیث بوده و از این رو است که بازشناسی نقش راویان به دو گونه: «تألیفی» و «طریقی»، یکی از مراحل مهم تحلیل اسناد حدیثی بوده است. توضیح بیشتر آنکه در سنجش اعتبار احادیث یک کتاب، یکی از اصلی‌ترین عناصر تأثیربخش، بهره‌گیری مؤلف از مصادر متقن و مورد اعتماد است. در این صورت است که اعتبار مصادر، اعتمادی افزون برای جامع حدیثی پسین را به ارمغان می‌آورد.

مؤلفان کتاب‌های حدیثی شیعه با توجه به گونه‌های نقش راویان و محدثان، کتاب خود را سامان داده و با یادکرد سند، به مصدر مکتوب خویش و مسیر دستیابی به آن، یعنی «طریق کتاب» اقدام کرده‌اند.^۲ شیخ‌المحدثین محمد بن یعقوب کلینی (م. ۳۲۹ ق) نیز بر پایه همین نگاه به تنظیم اسناد احادیث کتاب خویش پرداخته است که با توجه به نشانه‌های گوناگون، می‌توان به گونه نقش‌آفرینی حلقه‌های اسناد وی رسید. در این فرایند، همان‌گونه که حلقه‌های سند در نقش‌های گوناگونی حضور یافته‌اند، تأثیر متفاوتی را در اعتبار حدیث باقی گذاشته‌اند. چه بسا شخصی که در نقش تألیفی خویش، تضعیف شده اما گاهی حضورش در طریق انتقال دیگر کتاب‌ها، مورد اعتماد واقع شده است. هر چند

۱. این تقسیم به دو گروه، عمده تراث حدیثی و راویان آن را در بر گرفته است. پرواضح است که گروهی نیز حضور داشتند که نه در قالب مؤلف و نه در قالب انتقال‌دهنده کتاب‌های حدیثی به فعالیت مشغول بودند. از این گروه، می‌توان به «ناقلان شفاهی» یاد کرد. (جهت اطلاعات بیشتر، رک: «تحلیل پدیده ترجمه ضمنی در رجال نجاشی؛ گونه‌ها و دستاوردها»، نشریه پژوهش‌های رجالی، ش ۴).

۲. با بررسی طرق کتاب‌های حدیثی در منابع فهرستی شیعه و با تطبیق آن بر اسناد کتاب‌های حدیثی، از جمله درباره راویانی همچون محمد بن قیس بجلي، عبیدالله بن علی حلبی، علاء بن رزین و با لحاظ قرائن تاریخ حدیثی و توجه به گونه مدیریت ائمه علیهم‌السلام بر عرصه اعتبارسنجی حدیث، می‌توان به این واقعیت پی برد. (برای دریافت داده‌های افزون، رک: مفید، تاریخ مکتوب حدیث شیعه در دوران نخستین؛ سرخه‌ای، روایت کتاب‌محور احادیث شیعه).

که تشخیص این دو گونه، در مواردی چون، نقش آفرینی برخی راویان در هر دو عرصه، با مشکلاتی روبرو است، اما با بهره‌گیری از دیگر قرائن، می‌توان بر آن چیره شد.

شوربختانه، این عملکرد هوشمندانه محدثان متقدم شیعه، در دوران متأخر، مورد غفلت واقع شده و تعاملی یکسان را با همه حلقه‌های سند به دنبال داشته است.^۱ طبیعی است که در صورت تضعیف هر یک از حلقه‌های سند، بدون نگاه به گونه نقش آفرینی آن، آن حدیث از گردونه حجیت خارج خواهد شد؛ هر چند که از جهت محتوا مورد پذیرش همگانی، در طول قرون متمادی بوده باشد.

کتاب الکافی، یکی از ساختارمندترین کتاب‌های حدیثی شیعه است که نظم فراوانی را در سندنواری آن شاهد هستیم. دانش، تعهد و دقت کلینی، وی را در نمای «اوثق الناس و اثبتهم»^۲ برای همگان آشکار کرده است. در اسناد این کتاب حدیثی، «حلقه اول» که مشایخ کلینی به شمار می‌روند، غالباً طریق انتقال کتاب‌های حدیثی پیش از خود بوده‌اند.^۳ وضعیت درباره «حلقه دوم» به گونه‌ای دیگر رقم خورده است؛ چه اینکه ایشان در بسیاری موارد، در نقش طریقی و در برخی موارد، در نقش تألیفی جای گرفته‌اند. «معلی بن محمد بصری» از میان محدثان پروایت کتاب الکافی در حلقه دوم اسناد - به دلیل حضورش در طرق کتاب‌های حدیثی برجسته، چون ابان بن عثمان از سویی و ویژگی‌های شخصیتی و علمی‌اش از دیگر سوی - برای این پژوهش، برگزیده می‌شود.

۱. علامه حلی در مقدمه کتاب رجال خویش، خلاصه الاقوال و مقدمه کتاب فقهی‌اش، منتهی المطلب به ارائه نظام جدید سندمحور خویش و کاستی نظام پیش از آن، پرداخته است. (همچنین جهت کسب اطلاعات بیشتر، ر.ک: حسین پوری، اندیشه‌شناسی محدثان حله، فصل هفتم؛ افراخته، «چرایی تقسیم‌بندی حدیث و رویکرد فراسندی در تعامل با روایات»، مجموعه مقالات بازشناخت مبانی اصالت میراث حدیثی امامیه، ۱۳۹۷ ش.).

۲. نجاشی، الرجال، ص ۳۷۷، ش ۱۰۲۶.

۳. محدثانی چون: علی بن ابراهیم بن هاشم، محمد بن یحیی العطار، احمد بن ادریس القمی، الحسین بن محمد بن عامر، محمد بن اسماعیل نیشابوری، علی بن محمد علان، علی بن محمد بن بندار، حمید بن زیاد، احمد بن محمد عاصمی، محمد بن حسن رازی، احمد بن مهران و محمد بن جعفر رزاز.

۲. شخصیت حدیثی معلى بن محمد

معلى بن محمد از مؤلفان شیعی بصره است که در بیش از ششصد سند در کتاب الکافی نقش آفرینی می‌کند. بر پایه داده‌های منابع فهرستی، آثار حدیثی وی را می‌توان این گونه برشمرد:

۱. کتاب الایمان و درجاته و زیاده و نقصانه؛

۲. کتاب الدلائل؛

۳. کتاب الکفر و وجوهه؛

۴. کتاب شرح المودة فی الدین؛

۵. کتاب التفسیر؛

۶. کتاب الامامة؛

۷. کتاب فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام؛

۸. کتاب قضایا امیرالمؤمنین علیه السلام؛

۹. کتاب المروءة (المروءة)؛

۱۰. کتاب سيرة القائم علیه السلام.^۱

آنچه که با مشاهده عناوین این کتاب‌ها به دست می‌آید، رویکرد امامتی حاکم بر نگاشته‌های او است.

قابل توجه آنکه نجاشی در توصیف آثار حدیثی وی، با توصیف: «کُتِبَ قَرِيبَةً» به پذیرفتنی بودن محتوای آن تصریح کرده است. در دو فهرست طوسی و نجاشی، دو طریق برای این کتاب‌ها یاد شده:

۱. شیخ طوسی در مدخل معلى در کتاب الفهرست، ص ۴۶۱، ش ۷۳۴، تنها به برخی آثار وی پرداخته و با تعبیر «و غیر ذلک» خواننده را به سمت آثار بیشتر وی کشانده است.

یک) طریق شیخ طوسی؛

«أخبرنا بها جماعة عن أبي المفضل عن ابن بطة عن الحسين بن محمد بن عامر الأشعري عن المعلى بن محمد البصري»^۱

دو) طریق شیخ نجاشی؛

«أخبرنا محمد بن محمد بن محمد قال: حدثنا جعفر بن محمد قال: حدثنا الحسين بن محمد بن عامر عن معلى بن محمد»^۲

پایان یافتن دو طریق بالا به «حسین بن محمد بن عامر اشعری»، نقش برجسته وی را در انتقال تراث حدیثی معلى به حوزه قم آشکار می‌کند. این واقعیت در توصیف معلى در کتاب الرجال طوسی نیز انعکاس یافته است.^۳ با جستجو در طریق‌های یاد شده در منابع فهرستی، نام معلى بن محمد را می‌توان در دستیابی به آثار حدیثی محدثان نام آشنایی چون: ابان بن عثمان،^۴ سالم بن مُکرم ابو خدیجة،^۵ و بسطام بن مرة^۶ یافت. حاصل آنچه که در بالا گذشت، اثبات دو نقش: «تألیفی» و «طریقی» برای معلى بن محمد بصری در کتاب‌های فهرستی است.

۱. همان. پرواضح است که طریق شیخ طوسی، برگرفته از فهرست ابن بطة است، ولی طریق نجاشی را می‌توان طریق نسخه‌ای آثار دانست.

۲. نجاشی، الرجال، ص ۴۱۸، ش ۱۱۱۷.

۳. شیخ طوسی در باب «من لم یرو عن واحد من الائمة (ع)»، ص ۴۴۹ در توصیف معلى، تنها به روایت‌گری حسین بن محمد بن عامر از وی پرداخته است: «المعلی بن محمد البصري روی عنه الحسين بن محمد».

۴. «و أخبرنا أبو الحسين ابن أبي جيد، عن محمد بن الحسن بن الوليد، عن المعلی بن محمد البصري، عن محمد بن جمهور العمی، عن جعفر بن بشیر عن أبان بن عثمان». شیخ طوسی، الفهرست، ص ۴۹.

۵. «سالم بن مکرم بن عبد الله أبو خدیجة و يقال: أبو سلمة الكناسي... له کتاب یرویة عنه عدة من أصحابنا. أخبرنا علي بن أحمد بن طاهر أبو الحسين القمي قال: حدثنا محمد بن الحسن بن الوليد قال: حدثنا الحسين بن محمد بن عامر، عن معلى بن محمد، عن الحسن بن علي الوشاء، عن أبي خدیجة بكتابه». نجاشی، الرجال، ص ۱۸۸.

۶. «بسطام بن مرة له کتاب أخبرنا محمد بن محمد، عن جعفر بن محمد، عن الحسين بن محمد بن عامر، عن المعلى بن محمد البصري، عن بسطام بن مرة بكتابه». نجاشی، الرجال، ص ۱۱۱.

۳. بازشناسى نقش تألیفى و طریقى معلى در الكافى

نظر به فعالیت معلى بن محمد در هر دو عرصه حدیث پژوهی؛ نگاشتن و انتقال، از سویی و حضور فراوان وی در اسناد کتاب الکافی از دیگر سوی، این پرسش مطرح است که آیا محدث خبیر شیعه، محمد بن یعقوب کلینی، هنگام تألیف این جامع حدیثی سترگ شیعی، به صورت مستقیم از کتاب‌های وی بهره برده (نقش تألیفی) یا معلى را در طریق آثار دیگر محدثان دیده (نقش طریقی) و از این رو در اسناد خویش، یادآور شده است؟^۱

برای ارائه پاسخی روشن و برآمده از قرائن، لازم است که پس از گردآوری و تحلیل همه اسناد معلى در کتاب الکافی، با بهره‌گیری از دو مؤلفه «سنجش همخوانی روایات با موضوعات کتاب‌های معلى» و «توجه به پردازش‌های کلینی در سندنواری و چینش ابواب»، به بازشناسی گونه‌های نقش آفرینی معلى بن محمد در تدوین کتاب الکافی بپردازیم. این پژوهش همچنین می‌تواند ما را در کشف بخشی از مصادر مکتوب کلینی یاری رساند.

گفتنی است که دو رجالی شیعه؛ نجاشی و ابن غضائری، با خدشه در شخصیت حدیثی معلى بن محمد، ترسیمی متفاوت را با دستاوردهای این پژوهش به مخاطبان خویش ابراز داشته‌اند. هر چند ابن غضائری با تعبیر: «یُعرف حدیثه و یُنکر و یروی عن الضعفاء»^۲ و نجاشی با توصیف «مضطرب الحدیث و المذهب» به این امر اقدام کرده‌اند، اما جالب آنکه هر دو نسبت به تراش حدیثی معلى، تصویری متفاوت ترسیم کردند؛ نجاشی با تعبیر «کُتبه قریبه»، کتاب‌های معلى را باورپذیر و ابن غضائری با توصیف «يجوز أن یُخرَج شهاداً»، کارایی احادیث و کتاب‌های وی را پذیرفته است.^۳

۱. انتخاب کتاب الکافی برای این پژوهش به این دلیل است که احادیث معلى بن محمد را تنها در این جامع حدیثی شاهدیم. دیگر منابع حدیثی شیعه، هنگام یادکرد اسناد معلى، همگی از کتاب الکافی به عنوان منبع واسطه بهره گرفته‌اند. گفتنی است، در میان آثار شیخ صدوق، احادیث اندکی از معلى بن محمد با روایتگری جعفر بن محمد بن مسرور و خارج از کتاب الکافی یافت می‌شود.

۲. ابن غضائری، الرجال، ص ۹۶، ش ۱۴۱.

۳. تحلیل نقادانه دو توصیف پیش گفته، مجالی دیگر را می‌طلبد که در پایان این مقاله، اندکی بدان پرداخته‌ایم.

۴. ابزارهای پژوهش

همان طور که گفته شد، برای تحلیل اسناد معلی، نیازمند گونه‌شناسی دقیق هر یک از اسناد راه یافته به کتاب الکافی هستیم. این گونه‌شناسی، بر پایه پرتکرارترین اسناد، آغاز و در پایان کمترین گونه‌ها بررسی خواهند شد. برای تعیین نقش تألیفی و طریقی معلی، از دو ابزار کاربردی زیر بهره گرفته شده:

۴-۱. ابزار اول: سنجش همخوانی روایات با موضوعات کتاب‌های معلی

توضیح بیشتر آنکه، با توجه به عناوین کتاب‌هایی که برای معلی بن محمد در منابع فهرستی یاد شده، آن را با برخی از کتاب‌های مجموعه الکافی^۱ منطبق می‌بینیم. در مقابل، روایات معلی را در بخش‌هایی از کتاب الکافی می‌یابیم که معلی در آن موضوع، کتابی ننگاشته است.

۴-۲. ابزار دوم: توجه به پردازش‌های کلینی

توجه به سبک کلینی در اختصار اسناد در ابواب گوناگون کتاب و قوانین نانوشته حاکم بر آن، ما را با واقعیاتی روبرو می‌کند که می‌تواند در تفکیک نقش معلی، به کار آید. افزون بر این، تکرار پی در پی اسناد معلی در برخی ابواب و یا بسنده کردن کلینی به اسناد معلی در ابوابی دیگر، نشانه‌ای دیگر برای بازشناخت نقش معلی خواهد بود.

دو ابزار پیش گفته را می‌توان در اسناد پرتکرار کتاب الکافی و نیز اسناد پراکنده این کتاب، طوری به کار بست که ما را به گونه نقش آفرینی معلی برساند.

۱. الکافی، نامی نیست که کلینی برای این مجموعه انتخاب کرده باشد. بلکه بعدها و با توجه به فرازی از مقدمه کتاب (کتاب کاف) آن را برای این مجموعه ارزشمند برگزیدند. توجه به تعبیری که نجاشی درباره کتاب کلینی دارد، تا اندازه‌ای گویای آن است: «صنف الكتاب الكبير المعروف بالكليني يسمي الكافي.» (نجاشی، الرجال، ص ۳۷۷، ش ۱۰۲۶).

۵. گونه‌های حضور معلى بن محمد در اسناد الكافى

بر پایه گونه‌شناسی اسناد معلى بن محمد در كتاب الكافى، با ۹ گونه از اسناد روبرو می‌شویم:

۵-۱. گونه اول: «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ»

این گونه، بیش از ۱۶۰ بار در ابواب مختلف كتاب الكافى تکرار شده است. برای بازشناختی نقش معلى، ابتدا به پراکندگی حضور معلى در كتاب‌های مختلف مجموعه الكافى می‌پردازیم؛

عنوان كتاب	العقل / العلم	التوحيد	الحجة	الايمان والكفر	فروع	الروضة
تعداد روایات	۳	۰	۶	۷	۱۲۸	۱۵

بر پایه حضور متفاوت معلى در كتاب‌های الكافى و تطبیق آن با عناوین كتاب‌های معلى، این نتایج حاصل می‌شود:

نقش معلى در كتاب الحجة و كتاب الايمان و الكفر كتاب كافی، تألیفی است؛ بدین معنا که کلینی از سه كتاب: الامامة، الايمان و درجاته و الكفر و درجاته، بهره مستقیم برده است.

از آنجایی که محتوای سه روایت معلى در كتاب العلم، در راستای مباحث كتاب الايمان و الكفر و كتاب الحجة می‌باشد، می‌توان این سه را نیز برگرفته از كتاب‌های معلى دانست.^۱

۱. این سه روایت بدین شرح است:

۱. «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام مَا حَقَّ لِلَّهِ عَلَى الْعِبَادِ قَالَ أَنْ يَقُولُوا مَا يَعْلَمُونَ وَيَتَّقُوا عِنْدَ مَا لَا يَعْلَمُونَ.» کلینی، الكافى، ج ۱، ص ۴۳، ش ۷.

۲. «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ وَعِنْدَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ يَقَالُ لَهُ عُثْمَانُ الْأَعْمَى وَهُوَ يَقُولُ إِنَّ الْحَسَنَ الْبَصْرِيَّ يَزْعُمُ أَنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْعِلْمَ يُؤْذِي رِيحَ بُطُونِهِمْ أَهْلَ النَّارِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام فَهَلْكَ إِذَنْ مُؤْمِنٌ آلِ فِرْعَوْنَ مَا زَالَ الْعِلْمُ مَكْتُومًا مُنْذُ بَعَثَ اللَّهُ نُوحًا عليه السلام فَلْيَذْهَبِ الْحَسَنُ يَمِينًا وَشِمَالًا فَوَ اللَّهِ مَا يُوجَدُ الْعِلْمُ إِلَّا هَاهُنَا.» همان، ج ۱، ص ۵۱، ش ۱۵.

معلى در مجموعه کتاب‌های فقهی الکافی، نقش طریقی، ایفا کرده است. در واقع او مسیری است برای دستیابی کلینی به آثار فقهی فقیهانی چون حسن بن علی و ابان بن عثمان.

نقش طریقی معلى در کتاب الروضة کافی، برای دستیابی به کتاب المغازی ابان بن عثمان قابل حدس است.

در دومین گام پژوهش و برای روشن‌تر شدن زوایای نتایج به دست آمده بالا، توجه به چینش روایات معلى در الکافی، از سویی و توجه به سبک سندنگاری کلینی و بهره‌گیری وی از ابزارهای اختصار اسناد از دیگر سوی، ضروری است. توضیح بیشتر آنکه؛ از آنجایی که کثرت روایات معلى بن محمد در همه گونه‌های اسناد وی در بخش اصول کافی - بیش از دویست حدیث - و تفاوت راویان بعد از وی، اخذ مستقیم کلینی از کتاب‌های معلى را می‌رساند، این نکته در دوازده روایت از شانزده روایت این سند پرتکرار جاری است. وضعیت چهار حدیث باقیمانده این بخش، به گونه‌ای دیگر است. با توجه به بروز دو پدیده «عطف»^۱ و «تعلیق»^۲ در آنها، نمی‌توان آنها را برگرفته از کتاب‌های معلى، بلکه با توجه به محتوای احادیث، می‌توان آنها را همسو با کتاب‌های فقهی و برگرفته از کتاب‌های فقهی ابان دانست. به این چهار سند توجه کنید:

۱. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَعِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) ...^۳
۲. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ

۳. «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي شَيْبَةَ الْخُرَاسَانِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ إِنَّ أَصْحَابَ الْمَقَائِسِ ظَلَبُوا الْعِلْمَ بِالْمَقَائِسِ فَلَمْ تَزِدْهُمْ الْمَقَائِسُ مِنَ الْحَقِّ إِلَّا بُعْدًا وَإِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُصَابُ بِالْمَقَائِسِ». همان، ج ۱، ص ۵۶، ش ۷.

۱. به کار رفتن حرف عطف در اسناد، به منظور ادغام چند سند مشترک را «تحويل» یا «حیلولة» نیز می‌گویند.

۲. حذف بخش‌هایی از ابتدای اسناد، بر پایه تکرار در اسناد قبل و به منظور اختصار «تعلیق» نامیده می‌شود.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۵، ش ۵.

عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنٍ...^۱

هر چند در سند دوم، در ظاهر عطفی مشاهده نمی شود، اما با توجه به قرائن مختلف، می توان رخداد تصحیف در آن را پذیرفت^۲ و سند صحیح را این گونه دانست: «الحسین بن محمد عن معلى بن محمد عن الحسن بن علي الوشاء و حميد بن زياد عن الحسن بن محمد بن سماعة عن غير واحد عن أبان» در این صورت، «وشاء» و «غير واحد» راوی کتاب ابان به حساب می آیند. در دو سند بعدی، از رخداد پدیده «تعليق»، می توان به بهره گیری از کتاب ابان، رسید.

۳. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوُشَاءِ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۴. أَبَانُ عَنْ زِيَادِ الْكُنَاسِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

واقعیت اسناد معلى در بخش فروع کافی، به گونه ای دیگر است. با توجه به فراوانی روایات فقهی معلى بن محمد از سویی و عدم یادکرد کتاب فقهی برای وی در فهرس، می توان نقش طریقی معلى را در این گونه اسناد پذیرفت. هر چند در کارنامه تألیفات معلى، کتاب «قضایا امیرالمؤمنین علیه السلام» به چشم می خورد، اما با جستجو در کتاب کافی، تنها دو روایت متناسب با قضاوت های حضرت علی علیه السلام را می یابیم که یکی را از ابان بن عثمان و دیگری را از عبدالله اصم دریافت داشته است. بنابراین پذیرفتنی است که کلینی،

۱. همان، ج ۱، ص ۴۳، ش ۷.

۲. نشانه های پیش رو، نپذیرفتن این سند را به دنبال دارد: ۱. نقل علی بن اسباط از جعفر بن سماعة؛ ۲. نقل جعفر بن سماعة از غیر واحد در هیچ سند دیگر؛ ۳. حضور جعفر بن سماعة در اسناد «معلى از ابان». با نگاه به مجموعه اسناد کتاب کافی، که دسترسی کلینی به احادیث ابان بن عثمان را در پی دارد، می توان این حدیث را تشکیل شده از دو حدیث و دو مسیر مختلف دانست. مسیر اول، همان مسیر پرتکرار حسین از معلى از وشاء است و مسیر دوم، مسیر پرتکرار حمید از ابن سماعة از غیر واحد می باشد. دستیابی حسن بن سماعة به کتاب ابان از طرق متعدد که در بیش از دویست سند اتفاق افتاده، حاکی از مسیرهای متعدد و معتمد به کتاب ابان است. قابل توجه آنکه این سند، تنها یک بار به کار رفته است.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۸۱، ش ۱۴ و ۱۵.

دسترسی به کتاب القضایای معلی نداشته است.

افزون بر نشانه بالا بر نقش طریقی معلی، تمرکز بر چگونگی سنددهی کلینی در بخش فروع کافی نیز رساننده همین واقعیت است که معلی در این بخش، مسیری است برای دستیابی کلینی به آثار فقهی محدثانی چون ابان و وشاء. دو پدیده سندی تعلیق و عطف، نشانگر ادعای نقش طریقی معلی در روایات فقهی است؛

الف) تعلیق مصرّح

کاربست «بهذا الاسناد» و «یاسناده» در کافی که نشانگر تعلیق بر اسناد پیشین است، غالباً نشانه‌ای بر مصدر مکتوب کلینی است.^۱ بدین معنا که راوی پس از این تعبیر، یا مؤلف کتاب و یا راوی کتاب است. رخداد این پدیده در اسناد معلی در بخش فروع کافی، نشان از نقش طریق معلی دارد. به نمونه زیر توجه کنید:

۶- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۷- وَيَأْسَنَادُهُ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ وَفَضْلِ أَبِي الْعَبَّاسِ قَالَا قُلْنَا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ...^۲

ب) تعلیق غیرمصرّح

یکی دیگر از شواهد دسترسی کلینی به کتاب فقهی ابان در بخش فروع کافی، ایجاد تعلیق در اسناد ابان است. نمونه زیر از این دست است:

۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۴- أَبَانُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۱. رک: درس رجال استاد سید محمد جواد شبیری زنجانی، جلسه ۱۸، سال ۱۳۹۱، سایت مدرسه فقهات.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۱۱۹.

۵- أَبَانُ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام ^۱.

(ج) عطف

پدیده دیگری که می‌تواند ما را در تشخیص منبع مکتوب احادیث معلی یاری رساند، عطف در اسناد است. به اسناد زیر توجه کنید:

۱. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ جَمِيعاً عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ^۲.

۲. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ جَمِيعاً عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ^۳.
نکته در خور تأمل آنکه کلینی برای استفاده از اصل ابان، تنها از نسخه منتقل شده توسط حسین بن محمد بن عامر، بهره نبرده بلکه از نسخه‌های دیگری همچون نسخه موجود نزد حمید بن زیاد و محمد بن یحیی عطار نیز استفاده کرده است ^۴.

اسناد معلی در بخش روضه کافی وضعیتی شبیه اسناد فروع کافی را دارد. همان گونه که می‌دانیم نجاشی و طوسی، کتابی با نام «المبتدأ و المغازی و الوفاة و الردة» برای ابان بن عثمان نام برده‌اند. ^۵ بر پایه دو ابزار «همسویی موضوعی» و «تعلیق»، می‌توان پانزده حدیث معلی بن محمد در بخش روضه کافی را از کتاب المغازی و الوفاة ابان دانست. برای نمونه، همسویی موضوعی روایت زیر با موضوع کتاب ابان (الوفاة) هویدا است:

أَبَانَ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ قَالَ: لَمَّا أُخْرِجَ بِعَلِيِّ عليه السلام خَرَجَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام وَاضْعَةً فَمِصَّصَ

۱. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۲۱۴.

۲. همان، ج ۷، ص ۱۳۳.

۳. همان، ج ۶، ص ۱۳۰.

۴. طرق دسترسی کلینی به نسخه‌های نام برده عبارتند از: ۱. حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبَانَ. ۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ.

۵. نجاشی، الرجال، ص ۱۳، ش ۸؛ شیخ طوسی، الفهرست، ص ۴۹، ش ۵۲.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى رَأْسِهَا آخِذَةً بِيَدَيِ ابْنَيْهَا فَقَالَتْ مَا لِي وَمَا لَكَ يَا أَبَا بَكْرٍ تُرِيدُ أَنْ تُؤْتِمَ ابْنَيَّ وَتُزِمَنِي مِنْ زَوْجِي وَاللَّهِ لَوْلَا أَنْ تَكُونَ سَيِّئَةً لَنَشَرْتُ شَعْرِي وَلَصَرَحْتُ إِلَى رَبِّي فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ مَا تُرِيدُ إِلَى هَذَا ثُمَّ أَخَذَتْ بِيَدِهِ فَانْطَلَقَتْ بِهِ^۱.

از مهم ترین شواهد دسترسی کلینی به کتاب ابان، تعلیق در ده سند از پانزده سند معلی در روضه کافی است؛

الف: تعلیق مصرح با تعبیر «وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ».

۷۴. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ.

۷۵. وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبَانَ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ بَشِيرٍ الْأَسَدِيِّ عَنِ الْكُمَيْتِ بْنِ زَيْدٍ الْأَسَدِيِّ.

۷۶. وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْمَكِّيِّ.

۷۷. وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ عَنِ الْحَارِثِ النَّصْرِيِّ.

۷۸. وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ^۲.

ب: تعلیق غیر مصرح

۳۱۹. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ

أَبَانَ بْنِ عُمَانَ.

۳۲۰. عَنْهُ عَنِ الْمُعَلَّى عَنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ...

۳۲۱. أَبَانُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ الطَّائِي...

۳۲۲. أَبَانُ عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْقُورٍ...

۳۲۳. أَبَانُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ...

۳۲۴. أَبَانُ عَنْ زُرَّارَةَ...

۱. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۳۸.

۲. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۰۳.

۳۲۵. أَبَانٌ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْمَكِّيِّ...

جالب آنکه این حجم از تعلیقات پی در پی را در اسناد معلی از ابان، در هیچ جای دیگر کتاب کافی شاهد نیستیم. در پایان تذکر به این نکته در تعلیقات واقع شده در اسناد ابان بن عثمان نیز سزاوار است که با توجه به یادکرد دو نگاشته، «اصل» و «مغازی» برای ابان و تفاوت موضوع احادیث این دو کتاب، لازم است که روایات ابان در فروع کافی را برگرفته از «اصل» و روایات وی در روضه کافی را برآمده از «مغازی» او دانست.

۲-۵. گونه دوم: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ.

این گونه حدود شصت بار در کافی تکرار شده است. برای پی بردن به اینکه کتاب کدامین راوی در این سلسله سند به کلینی رسیده است، می بایست بر پایه روایات گنجانده شده در هر یک از کتاب های کافی که از این گونه استفاده شده، به تحلیل آن پرداخت.

عنوان کتاب	العقل	العلم	التوحيد	الحجة	الايمان والكفر	فروع	الروضة
تعداد روایات	۱	۱	۱	۴	۵	۴۹	۰

با توجه به جدول بالا می توان این گونه را تنها در فروع کافی که حدود چهل و نه بار تکرار شده است، طریق به کتاب حماد دانست. شواهدی که این گمانه را قوت می بخشد به قرار زیر است:

۱. بنابر گزارش شیخ طوسی در کتاب فهرست، حسن بن علی وشاء در طریق به کتاب حماد بن عثمان قرار دارد:

«وَأَخْبَرَنَا بِهِ ابْنُ أَبِي جَدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ

الصفار عن يعقوب بن يزيد عن ابن أبي عمير والحسن بن علي الوشاء والحسن بن علي بن فضال عن حماد بن عثمان.^۱

۲. از آنجایی که محتوای کتاب‌های معلی تناسب موضوعی با روایات حماد در فروع کافی ندارد، می‌توان نقش طریقی معلی را پذیرفت.

۳. تراکم تعداد روایات این دسته در فروع کافی نیز نشان دیگری بر نقش طریقی معلی نسبت به انتقال کتاب حماد بن عثمان است. به ویژه آنکه در این اسناد فراوان، در حلقه پس از حماد بن عثمان، شاهد دریافت مستقیم برخی معارف از امام صادق (ع) و یا گوناگونی راویان بعدی هستیم. راویانی همچون؛ زراره، ابوبصیر، ابن ابی یعفور و عمر بن یزید. ۴. در این دسته از اسناد معلی، تنها در فروع کافی شاهد پدیده «عطف در سند» هستیم:

۱. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ وَعِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ.^۲
۲. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ.^۳

در اصول کافی، واقعیت به شکل دیگری است؛ با توجه به حضور فراوان معلی در این بخش و تناسب موضوعی با کتاب‌های معلی، می‌توان نقش تألیفی معلی را ثابت دانست و مصدر مکتوب کلینی در این بخش را کتاب‌های معلی عنوان داشت. سزاوار است بدین نکته توجه شود که سه روایت معلی در کتاب‌های عقل، علم و توحید نیز همسو با کتاب‌های معلی است.^۴

افزون بر نشانه‌های پیش‌گفته، توجه به رخداد یک تعلیق مصرح در اسناد معلی از حماد

۱. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۵۶، ش ۲۴۰.

۲. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۵۵.

۳. همان، ج ۷، ص ۱۱.

۴. ر.ک: همان، ج ۱، ص ۳۲، ح ۳؛ همان، ص ۱۵۶، ح ۲؛ همان، ص ۲۵، ح ۲۵.

بن عثمان نیز گویای نقش تألیفی معلى در کتاب الحجة است. به این دو سند توجه شود:

۲- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ.

۳- وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ بَشِيرِ الْعَطَّارِ^۱.

جالب آنکه در کتاب الحج از بخش فروع کافی، شاهد روایتی از معلى به نقل از حماد هستیم که هم با ساختار روایات این دسته ناسازگار است و هم تناسب موضوعی با احادیث امامتی دارد:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: كَانَ بِمَكَّةَ رَجُلٌ مَوْلَى لِبَنِي أُمَيَّةَ يُقَالُ لَهُ ابْنُ أَبِي عَوَانَةَ لَهُ عِنَادَةٌ وَكَانَ إِذَا دَخَلَ إِلَى مَكَّةَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَوْ أَحَدٌ مِنْ أَشْيَاخِ آلِ مُحَمَّدٍ عَ يَغْبِثُ بِهِ وَإِنَّهُ أَتَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَهُوَ فِي الطَّوَافِ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِي اسْتِلامِ الْحَجَرِ فَقَالَ اسْتَلَمَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَالَ لَهُ مَا أَرَاكَ اسْتَلَمْتَهُ قَالَ أَكْرَهُ أَنْ أُؤْذِيَ ضَعِيفاً أَوْ أَتَأَذَى قَالَ فَقَالَ قَدْ زَعَمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله اسْتَلَمَهُ قَالَ نَعَمْ وَلَكِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِذَا رَأَوْهُ عَرَفُوا لَهُ حَقَّهُ وَأَنَا فَلَا يَعْرِفُونَ لِي حَقِّي^۲.

بر پایه دو نکته بالا، می توان چنین نتیجه گرفت که این حدیث، از کتاب الامامة معلى دریافت شده است.

۳-۵. گونه سوم: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ.... این سند به صورت پراکنده در کتاب کافی چهل بار تکرار شده است. بعد از احمد بن محمد بن عبدالله شاهد حضور راویان متفاوتی هستیم. جدول زیر میزان تکرار این سند،

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۸۶، ح ۲.

۲. همان، ج ۴، ص ۴۰۹، ح ۱۷.

بر پایه کتاب‌های کافی را نمایش داده است.

عنوان کتاب	العقل	العلم	التوحید	الحجة	الایمان والکفر	فروع	الروضة
تعداد روایات	۰	۰	۰	۲۲	۸	۸	۲

در بخش اصول و روضه کافی با توجه به شواهد زیر می‌توان نقش معلی بن محمد را نقش تألیفی دانست:

۱. کثرت روایات معلی بن محمد در همه گونه‌های اسناد وی در بخش «اصول کافی»؛

۲. همسویی این گونه روایات با عناوین کتاب‌های معلی؛

۳. با توجه به نبود نام احمد بن محمد بن عبدالله در منابع فهرستی^۱ و کم بودن روایات وی، نمی‌تواند صاحب کتاب بودن او را احراز کرد. همچنین نمی‌توان وی را طریق کتاب دیگران دانست؛ زیرا نفرات بعد از وی در اسناد، متفاوت هستند و سرزخی از حضور یک کتاب حدیثی نمی‌توان یافت.

از هشت روایت معلی در بخش فروع کافی، سه روایت در کتاب «الزَّيِّ وَ التَّجَمُّلِ وَ الْمُرُوءَةِ» کافی قرار گرفته و پنج روایت دیگر نیز مرتبط با مباحث کتاب المروءة است. از این رو، این هشت روایت را می‌توان بر گرفته از کتاب المروءة معلی دانست. به دو نمونه زیر از این دو بخش توجه کنید.

۱. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَلَوِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ (ع) مِنْ مُرُوءَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ ذَوَابُهُ سِمَانًا قَالَ وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْمُرُوءَةِ...^۲

۱. در منابع رجالی هیچ گزارشی از شخصیت احمد بن محمد بن عبدالله در جایگاه شیخ معلی، یافت نشده است.

در اسناد حدیثی، مشایخ وی متعدد بوده و برجسته‌ترین شاگرد وی، معلی بن محمد است. بر پایه اسناد، وی در طبقه اصحاب امام رضا (ع) و اصحاب امام حسن عسکری (ع) بوده است.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۷۹ و ۵۰۳ و ۵۳۲.

۲. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَسَحَ الْوَجْهَ بَعْدَ الْوُضُوءِ يَذْهَبُ بِالْكَلْفِ...^۱

۴-۵. گونه چهارم: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ جُمْهُورٍ.

سى و هشت سند از اسناد كتاب كافى به اين گونه اختصاص دارد. سهم هر يك از كتاب هاى كافى نسبت به اين گونه، در جدول زير هويدا است؛

عنوان كتاب	العقل	العلم	التوحيد	الحجة	الايمان والكفر	فروع	الروضة
تعداد روايات	۰	۴	۱	۲۵	۵	۱	۲

شواهد زير، حاكى از نقش تأليفى معلى بن محمد در اين گونه است؛

۱. عناوين كتاب هاى محمد بن جمهور (كتاب الملاحم، كتاب الواحدة، كتاب صاحب الزمان، الرسالة المذهبة عن الرضا عليه السلام)، كتاب وقت خروج القائم عليه السلام^۲ با محتوای روايات اين گونه اسناد در كتاب كافى همخوانی چندانی ندارد.

۲. با در نظر داشتن اين نکته كه پيشينه اين گونه در كتاب الحجة حدود بيست و پنج بار و كتاب الايمان و الكفر حدود پنج بار مشاهده مى شود از سويى و از سوي ديگر تناسب اين روايات با عناوين كتاب هاى معلى همچون «كتاب الامامة»، «كتاب التفسير» و «كتاب الايمان و درجاته» شاهد روشنى بر اخذ كلينى از كتاب معلى بن محمد است.^۳ در باب «الْبِدْعِ وَالرَّأْيِ وَالْمَقَايِيسِ» كتاب كافى، كلينى سه سند زير را پي در پي فراز

۱ همان، ص ۲۹۱.

۲ شيخ طوسى، الفهرست، ص ۴۱۳، ش ۶۲۷.

۳ روايت كتاب التوحيد نيز با توجه به مضمون آن مى توان آن را از كتاب الامامة معلى بن محمد به حساب آورد:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جُمْهُورٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الصَّلْتِ عَنِ الْحَكَمِ وَ إِسْمَاعِيلَ ابْنَيْ حَبِيبٍ عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ بِنَا عَبْدِ اللَّهِ وَ بِنَا عُرْفِ اللَّهِ وَ بِنَا وَجِدَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ مُحَمَّدٌ حِجَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى. (كلينى، الكافى، ج ۱، ص ۱۴۵)

آورده است:

۲. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ الْعَمِّي... .

۳. وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ...

۴. وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ...

هر چند که در سند سوم و چهارم از تعبیر «بِهَذَا الْإِسْنَادِ» استفاده شده که بهره‌گیری از کتاب محمد بن جمهور را به ذهن می‌اندازد^۱ اما توجه به اولین سند این باب یعنی: «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَاءِ» گمانه بهره‌گیری از کتاب معلى بن محمد را تقویت می‌کند؛ زیرا از سویی در یک باب و در چند روایت پیاپی پس از معلى، از دو استاد معلى بن محمد، یعنی محمد بن جمهور و حسن بن علی و شاء، نام برده شده و از دیگر سوی، روایت این باب همخوانی با کتاب الایمان و درجاته و یا کتاب الکفر دارد. توضیح بیشتر آنکه، هر چند کلینی نام محمد بن جمهور را در کتاب خویش در بیش از شصت سند یاد کرده، اما توجه به وساطت دو راوی ثقة یعنی معلى بن محمد و حسن بن محمد بن جمهور در حدود نود درصد این موارد، بهره‌گیری کلینی از منابع پسینی را اثبات می‌کند. بدین معنا که کلینی روایات محمد بن جمهور را با اتکا و اعتماد به کتاب معلى بن محمد (حدود شصت درصد موارد) و کتاب حسن بن محمد بن جمهور (حدود سی درصد موارد) در کتاب خویش یاد کرده است. این رویه، همان عملکرد قدمایی است که در مقدمه کتاب کامل الزیارات نیز به آن اشاره شده است.^۲

بنابراین با توجه به شواهد بالا می‌توان گفت، در ادین گونه نیز کلینی از کتاب معلى

۱. جهت اطلاعات بیشتر درباره دلالت «بِهَذَا الْإِسْنَادِ» بر بهره‌گیری از کتاب مراجعه شود به: عمادی حائری، بازسازی

متون کهن حدیثی شیعه، ص ۳۹۶؛ مقاله «منابع نعمانی در غیبت» نگاشته سید جواد شبیری زنجان.

۲. ابن قولویه (ع) در مقدمه کتاب خویش، وساطت مشایخ نقاد حدیث را جبران‌کننده حضور راویان ناشناس و یا

ضعیف اعلام کرده است: «وَلَا أُخْرِجَتْ فِيهِ حَدِيثًا رَوَى عَنْ الشُّذَّازِ مِنَ الرِّجَالِ يَأْتِرُ ذَلِكَ عَنْهُمْ غَيْرَ الْمَعْرُوفِينَ بِالرِّوَايَةِ

الْمَشْهُورِينَ بِالْحَدِيثِ وَالْعِلْمِ.» (ابن قولویه، کامل الزیارات، مقدمه).



بن محمد بهره‌مند شده و معلى بن محمد نقش تألیفی دارد.

۵-۵. گونه پنجم: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام.

این گونه حدود سی و سه بار در کتاب کافى تکرار شده است. جدول زیر نشانگر میزان پراکندگی این دسته از روایات در کتاب کافى است:

عنوان کتاب	العقل	العلم	التوحيد	الحجة	الايمان والكفر	فروع	الروضة
تعداد روایات	۰	۰	۱	۷	۵	۲۰	۰

در اصول کافى در بخش کتاب الحجة، با توجه به استفاده حداکثرى کلینى از کتاب الامامة و کتاب التفسیر معلى که شواهد مبسوط آن پیشتر گذشت، مى‌توان این تعداد احادیث را از کتاب معلى دانست و نقش معلى در این قسم نقش تألیفى است. شاهد دیگرى که مى‌توان این هفت روایت را از کتاب معلى دانست، پردازش کلینى در کتاب الحجة در باب «أَنَّ الْأَئِمَّةَ عليهم السلام هُمُ الْعَلَامَاتُ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ» است؛ زیرا اسناد پیشین و پسین این گونه، تنها در «الحسين بن محمد عن معلى بن محمد» اشتراك دارند و پس از معلى شاهد تفاوت راویان هستیم. به نمونه‌هاى زیر توجه کنید:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرْقِ قَالَ حَدَّثَنَا دَاوُدُ الْجَصَّاصُ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام...

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوُشَاءِ عَنْ أَشْبَاطِ بْنِ سَالِمٍ...

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوُشَاءِ قَالَ: سَأَلْتُ الرِّضَا عليه السلام...

این نکته نیز مخفى نماند که کتاب «مسائل» و شاء از مصادر کتاب معلى بن محمد

بوده است. جالب آنکه شاهد پدیده عطف در این گونه، در کتاب الحجة نیستیم، اما در کتاب الایمان و الکفر با توجه به قرینه عطف می‌توان این شش روایت را از کتاب و شاء به حساب آورد:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْوُشَاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (ع) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ...^۱

بنابراین در اصول کافی، بخش کتاب الحجة نقش معلى، تألیفی و در کتاب التوحید و الایمان و الکفر، طریقی است. اما در فروع کافی با توجه به پراکندگی این گونه در بخش‌های این کتاب همچون صلاة، نکاح، اجاره و قصاص از سویی، و نبود کتابی فقهی در کارنامه تألیفات معلى از دیگر سو، نمی‌توان آن را از کتاب‌های معلى دانست. جالب آنکه این گونه، با در نظر داشتن نقل و شاء از امام رضا (ع) و استفاده از واژگانی چون «سألت»، «سمعت» و «قال لی» می‌توان بخشی از آن را برگرفته از کتاب مسائل الرضا (ع) و بخش دیگری را از کتاب نوادر و شاء به حساب آورد. پردازش برخی از اسناد و وقوع پدیده عطف نیز نشان از این واقعیت دارد. به عنوان نمونه به موارد زیر توجه کنید:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَاءِ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَاءِ قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) ...^۲

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْوُشَاءِ عَنِ الرِّضَا (ع) ...^۳

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) ...^۴

۱. همان، ج ۲، ص ۵۱، ح ۲.

۲. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۵۰، ح ۴.

۳. همان، ج ۳، ص ۳۵۰، ح ۴.

۴. همان، ج ۵، ص ۳۶۷، ح ۱. دانستن این نکته ضروری است که با توجه به طرق بالا می‌توان گفت کلینی به کتاب

۵-۶. گونه ششم: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ.

عنوان کتاب	العقل	العلم	التوحيد	الحجة	الايمان والكفر	الدعاء	فروع	الروضة
تعداد روایات	۰	۲	۰	۱۰	۶	۱	۱۶	۰

این گونه سی و پنج بار در کتاب کافی تکرار شده است. در بخش اصول کافی با توجه به پردازش های متفاوت کلینی، هر یک از از کتاب ها را جداگانه بررسی می کنیم. از میان ده روایت کتاب الحجة، نه روایت را با توجه به حضور حداکثری معلی در این کتاب و تناسب موضوعی کتاب های وی با کتاب الحجة، می توان از کتاب معلی بن محمد دانست. اما در یک مورد شاهد عطف در اسناد هستیم:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ وَالْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ۱.

از آنجایی که طریقی «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ» یکی از طرق اختصاصی به کتاب وشاء است، می توان انگیزه کلینی از این عطف را برداشت این روایت از کتاب نوادر وشاء دانست. یک روایت کتاب الدعاء را نیز با توجه به همین نوع عطف و آوردن طریقی اختصاصی وشاء، می توان از کتاب وشاء به حساب آورد. دو روایت کتاب العلم را نیز با توجه به همسانی آن با عناوین کتاب معلی، می توان برگرفته از کتاب های معلی دانست. در کتاب الايمان و الكفر هر چند که در این کتاب نیز شاهد حضور فراوان معلی بن محمد و تناسب موضوعی این کتاب با عناوین کتاب های معلی هستیم، اما با توجه به نوع پردازش کلینی، این دسته از روایت را بایسته است که از آثار نسل های پسینی یعنی

مسائل، سه طریقی داشته است: ۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ. ۲. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ. ۳. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۴، ح ۳.

احمد بن عائد و یا ابی خدیجه به حساب آورد. توضیح بیشتر آنکه از میان شش روایت این کتاب، در سند پنج روایت شاهد پدیده عطف با طریق اختصاصی کتاب سالم بن مکرم ابو خدیجه مواجه هستیم. به نمونه زیر توجه کنید:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَادٍ جَمِيعاً عَنِ الْوُشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ سَالِمِ بْنِ مُكْرَمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) ^۱.

«عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَادٍ» یکی از طرق به کتاب ابی خدیجه است؛^۲ بدین معنی که در هیچ یک از اسناد و شاء شاهد این طریق نیستیم جز در اسنادی که ابی خدیجه در آن حضور دارد. بنابراین با توجه به این قرینه می توان نقش معلی بن محمد را در این دسته از اسناد نقش طریقی به کتاب ابو خدیجه دانست. جالب توجه آنکه در کتاب کافی، اسناد دربردارنده «علی بن محمد عن صالح بی ابی حماد عن الوشاء عن احمد بن عائد» را تنها در مسیر انتقال احادیث ابو خدیجه شاهدیم.^۳ یک روایت از این کتاب با توجه به عطف اختصاصی و شاء^۴، گمان أخذ از کتاب و شاء را تقویت می کند. در کتاب فروع کافی، به صورت پراکنده شاهد سه نوع سندآوری از جانب کلینی هستیم:

۱. به صورت عادی و بدون پدیده عطف: ^۵نه سند به این شکل نقل شده است:
الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع).

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۳۸؛ رک: همان، ج ۲، ص ۱۶۲، ح ۷؛ همان، ج ۲، ص ۳۰۴، ح ۱۱.
۲. نجاشی، طریق کتاب سالم بن مکرم بن عبدالله أبو خدیجه را این چنین یادآور شده است: «له کتاب یرویہ عنه عدة من أصحابنا. أخبرنا علي بن أحمد بن طاهر أبو الحسين القمي قال: حدثنا محمد بن الحسن بن الوليد قال: حدثنا الحسين بن محمد بن عامر عن معلی بن محمد عن الحسن بن علي الوشاء عن أبي خديجة بكتابه.» (نجاشی، رجال، ص ۱۸۸، ش ۵۰۹).

۳. در کتاب کافی با ده سند این گونه روبرو هستیم.

۴. منظور از عطف اختصاصی و شاء این دسته از اسناد است:

۲. عطف با همراهى طریق «على بن محمد عن صالح بن ابى حماد»: چهار سند به

این شکل نقل شده است؛

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَادٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ
جَمِيعاً عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.

۳. عطف با همراهى طریق «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ»: سه سند به این

شکل نقل شده است؛

الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ
جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.

در نه روایت نوع اول، با توجه به هم‌مضمونی سه روایت آن با کتاب الحج و شاء از سویی و نبود کتابی این چنین در آثار معلى از دیگر سو، می‌توان برداشت از کتاب و شاء را اثبات کرد. پنج روایت را از آنجایی که مربوط به مباحث فقهی است و کلینی در فروع بسیار از و شاء بهره برده است را نیز از کتاب و شاء دانست و یک روایت باقیمانده که موضوع آن، تفسیری است نیز از کتاب التفسیر معلى بن محمد اخذ شده است. بنابراین در هشت روایت این کتاب نقش معلى بن محمد نقش طریقى و تنها در یک روایت نقش آن را می‌توان تألیفی دانست. در نوع دوم (عطف صالح بن ابى حماد) همان طور که پیشتر گذشت، از طرق اختصاصی کتاب ابى خدیجه است. از همین رو آوردن عطف نشان از طریقى بودن نقش معلى است. نکته شایان توجه آنکه، کلینی این طریق را در دو مورد در کتاب المروءة آورده^۱ که چه بسا به خاطر تأکید بر دریافت از کتاب ابو خدیجه بوده است. در نوع سوم (محمد بن یحیی عن احمد بن محمد) با توجه به عطف به طریق اختصاصی و شاء، می‌توان طریقى بودن نقش معلى را نشان دهد. در این نوع نیز، دو روایت همسو با

۱. ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۸۶، ح ۲؛ همان، ص ۵۴۶، ح ۵.

کتاب المروءة معلی است.^۱

۵-۷. گونه هفتم: اسناد معلی بن محمد عن الوشاء عن...

عطف	کتاب	تعداد روایت	راوی	
•	کتاب الدعاء: ۳ - کتاب الایمان و الکفر: ۵ - کتاب الحجة: ۳ - فروع کافی: ۱۶	۲۷	عبد الله بن سنان	۱
•	کتاب العقل و الجهل: ۱ - کتاب الحجة: ۴ - کتاب الایمان و الکفر: ۲ - کتاب العشرة: ۱ - فروع کافی: ۵ - روضة: ۱	۱۴	مثنی بن ولید حنات	۲
•	کتاب الحجة: ۸ - روضة: ۱	۸	احمد بن عمر حلال	۳
۲۱	کتاب فضل العلم: ۲ - کتاب الایمان و الکفر: ۵	۷	عاصم بن حمید	۴
•	کتاب الحجة: ۴ - کتاب الایمان و الکفر: ۲ - روضة: ۱	۷	عبد الکریم بن عمرو بن صالح	۵
•	کتاب الایمان و الکفر: ۵	۵	علی بن ابی حمزة	۶
•	کتاب فضل القرآن: ۱ - فروع کافی: ۴	۵	جمیل بن دراج	۷
•	کتاب الحجة: ۲ - روضة: ۳	۵	محمد بن فضیل	۸

۱. ر. ک: کلینی، کافی، ج ۶، ص ۲۴، ح ۲؛ همان، ص ۳۲، ح ۲.

۲. در این مورد شاهد یک مورد پدیدۀ عطف به قرار زیر هستیم:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ جَمِيعاً عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۴).

۹	داود بن سرحان	۴	کتاب الایمان و الکفر: ۱ - کتاب الدعاء: ۱ - فروع کافی: ۲	۱
۱۰	داود بن سلیمان حمار	۲	کتاب الایمان و الکفر: ۲	۰
۱۱	المفضل بن صالح	۲	فروع کافی: ۲	۰
۱۲	ابراهیم بن ابی بکر	۲	کتاب الایمان و الکفر: ۱ - فروع کافی: ۱	۰
۱۳	خَيْرَانَ الْأَسْبَاطِي	۱	کتاب الحجة	۰
۱۴	عمر بن ابان	۱	کتاب الایمان و الکفر	۰
۱۵	بعض اصحابه	۱	کتاب الایمان و الکفر	۰
۱۶	علی بن میسرة	۱	کتاب الایمان و الکفر	۰
۱۷	محمد بن حمران	۱	کتاب الایمان و الکفر	۰
۱۸	عمن حدّثه	۱	کتاب الایمان و الکفر	۰
۱۹	منصور بن حازم	۱	کتاب الایمان و الکفر	۰
۲۰	محمد بن سنان	۱	کتاب الحجة	۰
۲۱	علی بن الحسن	۱	کتاب الحجة	۰
۲۲	اسباط بن سالم	۱	کتاب الحجة	۰
۲۳	عبد الله بن عجلان	۱	کتاب الحجة	۰
۲۴	المسافر	۱	کتاب الحجة	۰
۲۵	عبد الکریم بن عمرو	۱	کتاب الروضة	۰
۲۶	موسی بن بکر	۱	فروع کافی	۱۲
۲۷	یونس بن ربیع	۱	فروع کافی	۰
۲۸	عبد الله بن سلیمان	۱	فروع کافی	۰

۱. در کتاب الایمان و الکفر شاهد چنین عطفی هستیم: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَعِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَاءِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ... (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۹۹، ح ۳).

۲. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَعِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْوُشَاءِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا أَبَا مُحَمَّدٍ... (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۲، ح ۲).

۲۹	طَرْحَانُ النَّخَّاسِ	۱	فروع کافی	۰
۳۰	اسحاق بن جعفر	۱	فروع کافی	۰
۳۱	رجل	۱	فروع کافی	۰

در این گونه، با توجه به اندک بودن احادیث مندرج در بخش فروع کافی، می‌توان به نقش تألیفی معلی بن محمد باور داشت. جالب آنکه احادیث معدود بخش فروع کافی معلی نیز، بیشترین ارتباط را با کتاب المروءة وی داشته و در این محدوده می‌توان نقش تألیفی معلی را ثابت دانست. همچنین می‌توان گفت که کلینی در این دسته احادیث، کتاب‌های معلی را به عنوان مأخذ خویش انتخاب کرده است.

نشان دیگری که این گمانه را تقویت می‌کند، نبود عطف؛ به جز دو مورد، در تمام این اسناد است. دو سندی که دربردارنده عطف است، واقعیت دیگری را نمایان است. به این دو سند توجه کنید؛

عطف اول:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَاءِ وَعِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ جَمِيعاً عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: خُطِبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام النَّاسَ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعُ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَأَحْكَامُ تُبْتَدَعُ يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ...^۱

شروع بخش مشترک سند با «عاصم بن حمید» گمانه دریافت حدیث از کتاب این راوی نام آشنا را به ذهن می‌اندازد. زمانی این گمانه، تقویت می‌شود که در «اصل عاصم بن حمید» که توسط علامه مجلسی یافت و منتشر شد، نیز شاهد این حدیث هستیم. وجود این حدیث در کتاب‌های دیگری همچون المحاسن با سنددهی به حسن بن علی بن فضال راوی کتاب عاصم، از زاویه‌ای دیگر، درستی این برداشت را روشن‌تر می‌کند.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۴، بَابُ الْبِدْعِ وَالرَّأْيِ وَالْمَقَایِیسِ، ح ۱.

قابل توجه آنکه این حدیث در کتاب روضه کافى با سندی دیگر^۱ و بدون حضور عاصم بن حمید نقل شده که حجمى بسیار فراوان تر از حدیث عاصم دارد، که قرینه محکم تری بر این برداشت خواهد بود. از این رو، معلى بن محمد را در این حدیث، در نقش طریقی اش شاهدیم.

عطف دوم:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَعِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيراً كُتِبَتْ لَهُ بَرَاءَتَانِ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَ بَرَاءَةٌ مِنَ النِّفَاقِ.^۲

حضور «وشاء» در ابتدای بخش مشترک این سند عطفی، دریافت حدیث از کتاب وشاء و نقش طریقی معلى بن محمد را برای آن می‌رساند. حضور وشاء در حدیث پنجم این باب در نقش تألیفی خویش، نشانه دیگری است بر این برداشت. جالب آنکه بیشینه روایات فروع کافى، در این گونه هم مضمون با کتاب المروءة معلى بن محمد است.

۵-۸. گونه هشتم: معلى بن محمد عن... (غیر الوشاء)

عطف	کتاب	تعداد روایت	راوی	
•	کتاب فضل العلم: ۱ - کتاب الحجة: ۹ - کتاب الایمان و الکفر: ۲ - فروع کافى: ۵ - روضه ۲	۱۹	على بن اسباط	

۱. همان، ج ۸، ص ۵۸، ح ۲۱: «عَلَى بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ الْهَلَالِيِّ قَالَ: خَطَبَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله...»

۲. همان، ج ۲، ص ۴۹۹، ح ۳.

تمام موارد ^۱	کتاب الحجة: ۱۲	۱۲	محمد بن اورمه	
۰	کتاب الحجة: ۲ - فروع کافی: ۷	۹	ابی داود المسترق	
۱۲	کتاب الحجة: ۳ - فروع جلد ۴: ۴	۷	محمد بن علی ابو سمینه	
۰	کتاب الحجة: ۲ - فروع کافی: ۳	۵	علی بن مرداس	
۰	کتاب الحجة: ۴	۴	عبد الله بن ادريس	
۰	کتاب الحجة: ۲ - فروع: ۲	۴	بسطام بن مرة	
۴	فروع کافی: ۴، ۳ تا از جلد ۵ رساله حضرت و ۱ از جلد ۶ باب المروءة	۴	علی بن حسان	
	کتاب الحجة: ۱ - کتاب الايمان و الكفر: ۱ - فروع کافی: ۲	۴	منصور بن العباس	
۳۱	کتاب الحجة: ۱ - فروع: ۲	۳	جعفر بن محمد بن عبید الله	
	کتاب الحجة، فروع کافی	۲	علی بن سندی	
	کتاب الحجة	۲	علی بن محمد	

۱. در تمام این اسناد بدین شکل عطف صورت گرفته است: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَوْزَمَةَ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع). (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۱۴).
۲. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْخَطَّاطِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الْكَلْبِيِّ النَّسَائِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ التَّبِيدِ فَقَالَ خَلَّالٌ. (کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۱۶، ح ۳).
۳. تنها یک عطف و آن هم در کتاب فروع کافی که بدین شکل آمده است: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقُدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ (ع) قَالَ (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۲۳، ح ۳).

	ابى على	۱	كتاب الايمان	
	احمد بن غسان	۱	كتاب الايمان	
	الحسن بن راشد	۱	كتاب الحجة	
	احمد بن محمد بن خالد	۱	كتاب الحجة	
	احمد بن نصر	۱	كتاب الحجة	
	سيارى	۱	كتاب الحجة	
	محمد بن عبد الله الواسطى	۱	فروع كافى	
	سليمان بن سماعه	۱	فروع كافى	
	واصل	۱	فروع كافى	
	احمد بن محمد بن ابراهيم الأرمنى	۱	فروع كافى	
	احمد بن محمد بن ابى نصر	۱	روضة كافى	
	محمد بن مسلم	۱	فروع كافى	

از آنجایی که بیشینه روایات بالا در کتاب الحجة و کتاب الايمان و الکفر جای گرفته و از سویی روایات بخش فروع كافى نیز هم پوشانی مضمونی با کتاب های معلى بن محمد دارد، می توان همه روایات این دسته را برگرفته از کتاب های معلى به حساب آورد. نکته قابل توجه، وجود سه عطف در این دسته اسناد است که تحلیلی واقع بینانه را می طلبد؛ عطف اول:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَعِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ
جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَنَاطِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ

مِهْزَانَ عَنِ الْكَلْبِيِّ النَّسَائِيَّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ^۱.

کلینی از میان هفت روایت «معلی از محمد بن علی ابو سمینه»، تنها در یک مورد و آن هم در بخش فروع این عطف را به کار برده است تا رساننده این مطلب باشد که این تک روایت از دو طریق از کتاب ابوسمینه دریافت شده است. قابل توجه آنکه در اسناد دیگر، بدون حضور معلی، باز هم شاهد انتهای سند عطفی به ابوسمینه هستیم.^۲

عطف دوم:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ....^۳

جعفر بن محمد بن عبیدالله از راویان پر روایتی است که در طریق کتاب عبدالله بن میمون قرار گرفته است.^۴ اسناد نیز گویای همین واقعیت است؛ زیرا اکثر قریب به اتفاق روایات وی از عبدالله بن میمون است.

عطف سوم:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْزَمَةَ وَعَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ.^۵

این گونه عطف در دوازده سند و تنها در کتاب الحجة کافی قرار گرفته است. تفاوت این عطف با دو عطف پیشین، از آن رو است که گویای نقش طریقی معلی نیست. در واقع،

۱. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۱۶، ح ۳.

۲. همان، ج ۱ ص ۳۴۳ و ۳۴۵ و ۴۷۸ و ۴۸۱؛ همان، ج ۲، ص ۳۶۳ و ۳۶۴ و ...

۳. همان، ج ۵، ص ۵۲۳، ح ۳.

۴. رک: شیخ طوسی، الفهرست: ص ۲۹۵، ش ۴۴۳؛ نجاشی، الرجال، ص ۲۱۳، ش ۵۵۷. هرچند در الفهرست طوسی نامش آمده، اما با توجه به حذف این مدخل در نجاشی و حضور پررنگش در طریق احادیث ابن میمون، می توان در نقش تألیفی اش تردید وارد ساخت.

۵. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۲۰، ح ۴۲.

معلى برای نگارش کتاب خویش و اخذ این احادیث، از کتاب على بن حسان هاشمى، با دو واسطه «ابن اورمه» و «ابن عبدالله»، روایاتی را دریافت داشته است. از این رو، باز هم کتاب‌های معلى را می‌توان مصدر مکتوب کلینی به حساب آورد.

۵-۹. گونه نهم: مرسلات و مرفوعات معلى بن محمد

منظور از «مرفوعات معلى» اسنادی است که پس از نام معلى، شاهد تعبیر «رفعه» هستیم و منظور از «مرسلات معلى»، به کارگیری تعبیری مانند «عمن خبره» و «عن بعض اصحابه» پس از نام او است. این اسناد، شامل موارد زیر می‌شود:

مرفوعات:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ^۱
 الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ^۲
 الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ بَعْضِ الْحُكَمَاءِ^۳
 مرسلات:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: سُئِلَ الْعَالِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ^۴
 الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ بِإِسْنَادٍ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ^۵
 الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ

۱. همان، ج ۶، ص ۳۵۷.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۱۷، ح ۲.

۳. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۷۰، ح ۱۹۱.

۴. با توجه به اینکه لقب «العالم» ناظر به امام کاظم علیه السلام است، پس ناگزیر باید افتادگی نام یک یا دو راوی را پس از عنوان معلى، پذیرفت.

۵. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۲۸۲، ح ۴.

۶. همان، ج ۱، ص ۴۲۶، ح ۷۳.

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ
الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبَانٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ^۲

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ^۳

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ
أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ^۴

با دقت در اسناد مرسل (دسته دوم)، پی به این نکته می‌بریم که این دسته، به دو گونه است؛ در برخی پس از معلى، شاهد حضور معصوم عليه السلام هستیم و در برخی دیگر نام دیگر راویان حدیث در ادامه آمده است. در پنج سند آغازین، با توجه به اینکه پس از نام معلى، حضور راویان دیگری را شاهد نیستیم، به راحتی می‌توان نقش تألیفی معلى و اخذ حدیث از کتاب وی را برداشت کرد. توضیح بیشتر آنکه این روایات در کتاب معلى، بدون سند بوده و کلینی به هنگام اخذ این روایات از کتاب معلى، متوجه انقطاع در سند شده و از این رو، با تعبیری مانند «رفعه» خواننده خویش را متوجه این واقعیت کرده است. واضح است که در اندیشه کلینی، نبود سند برای این دسته احادیث، اشکالی را متوجه اعتبار آنها نکرده است.

واقعیت در پنج سند دوم که پس از تعابیر دال بر ارسال، حضور راویان دیگری را شاهد هستیم، نیز به همین شکل است. گویا کلینی در کتاب معلى، با راویانی در آغاز سند روبرو شده که معلى همیشه با واسطه از ایشان نقل حدیث کرده است؛ راویانی همچون

۱. همان، ص ۴۷۴، ح ۵.

۲. همان، ج ۴، ص ۴۴۳، ح ۵.

۳. همان، ج ۵، ص ۱۹۱، ح ۶.

۴. همان، ج ۴، ص ۴۸۹، ح ۱.

ابان بن عثمان و حماد بن عثمان. دقت کلینی، وی را بر آن داشته که مخاطب خویش را متوجه این انقطاع سندی کند. از این رو، به ابتدای اسناد معلى، تعبیری همچون «عمّن حدّثه» و «عمّن ذکره» را افزوده است. ناگفته نماند که همه این دسته روایات، همسو با کتاب‌های معلى بن محمد است.

۶. نکته پایانی

نکته پایانی آنکه، با تمرکز به پدیده عطف در گونه‌های بالا، شاهد سی و هشت مورد عطف در اسناد هستیم. از این میان، تنها یک مورد آن در کتاب الحجّة و بیشینه موارد آن در مجموعه فروع کافی آمده است. این نکته استفاده حداکثری کلینی از آثار معلى بن محمد را در کتاب الحجّة می‌رساند. توجه به پدیده عطف در کتاب الایمان و الکفر نیز رساننده این نکته است که هر چند کلینی از دو کتاب الایمان و الکفر معلى بن محمد بهره جسته، اما به گاه استفاده از منابع حدیثی دیگر مانند آثار وّشاء، با بهره‌گیری از پدیده عطف در اسناد معلى، نقش طریقی معلى را در ذهن مخاطب خویش جای می‌دهد.

۷. نویافته‌های پژوهش:

۷-۱. شناخت نو ابزارهایی در بازشناسی مصادر کتاب‌های حدیثی کهن

هر چند که در این پژوهش، از دو ابزار «سنجش همخوانی روایات کتاب الکافی با موضوعات کتاب‌های معلی بن محمد» و «توجه به پردازش‌های شیخ کلینی» در فرایند بازشناسی مصادر مکتوب، سخن به میان آمد و به کار گرفته شد، اما باید توجه داشت که اولاً نوع بهره‌گیری از این دو، بسیار متفاوت با دیگر پژوهش‌های این عرصه است. ثانیاً ابزارهای نویافته زیر مورد استفاده قرار گرفت که این پژوهش را از دیگر تلاش‌های این عرصه جدا ساخت؛

۷-۱-۱. توجه به اسناد «مرفوع» و «مرسل»

تعابیری همچون «رَفَعَهُ» و «عَمَّنْ حَدَّثَهُ» در اسناد معلی و پس از نام وی، حکایت از آن دارد که این روایات در کتاب معلی، بدون سند بوده و کلینی به هنگام اخذ این روایات از کتاب معلی، متوجه انقطاع در سند شده و از این رو با تعابیری مانند «رفعه» و یا «عمن حدثه»، خواننده خویش را متوجه این دو واقعیت کرده است؛ «دریافت حدیث از کتاب معلی» و «مرسل بودن حدیث در کتاب معلی».

از این رو، این پدیده را می‌توان نشانه‌ای در بازشناسی مصادر مکتوب پنداشت. نمونه آن را در گونه نهم شاهد بودیم.

۷-۱-۲. توجه کلان به گونه‌های حضور معلی بن محمد در اسناد کافی

یکی دیگر از ابزارهای نویافته، نگاه شبکه‌ای و مجموعی به گونه‌های اسناد معلی بن محمد است. برای نمونه، کم بودن تعداد عطف در اسناد معلی در کتاب الحجه کافی، نمی‌تواند به تنهایی قرینه‌ای بر برداشت کلینی از کتاب معلی باشد، اما با توجه به فراوانی عطف در اسناد معلی در دیگر بخش‌های کتاب کافی، چه بسا بتوان گفت کلینی، نشان

دادن مصدر مکتوب خویش را نشانه رفته است. این آمار مقایسه‌ای، در پایان گونه‌های نه‌گانه فراز، آمده است.

۷-۲. پافشاری بر نظام‌مندی کلینی در سندنگاری

اگر سند در منظومه خود مشاهده نشود، تنها شاهد نام‌هایی هستیم که چه بسا با چیدنشان در کنار هم، فایده‌چندانی به دست نیاید. اما از آنجا که اسناد در منابع روایی شیعه، در واقع بازگوکننده طریق کتاب‌ها به مؤلف آن منبع حدیثی است، نگاه به آن متفاوت می‌شود. در بررسی گونه‌های سندی معلى بن محمد در کتاب کافى شریف، شاهد هوشمندی کلینی و نظام‌مند بودن پردازش‌های سندی بودیم. ایشان در بخش‌هایی از تألیف خویش که از معلى بن محمد بهره برده است، هنگام استفاده از منبع دیگری مانند کتاب‌های حسن بن زیاد و شاء و ابان بن عثمان، از پدیده‌هایی چون «عطف» استفاده کرده تا به تفکیک و جداسازی اسناد مشابه در ذهن مخاطب، مبادرت ورزد و از این مسیر، مصادر مکتوب و متقن خویش را به خوانندگان کتاب نشان دهد.

۷-۳. تعیین مرزهای بازپژوهی اضطراب در روایات معلى بن محمد

نقطه پایانی پژوهش را شاید بتوان «تردید در درستی اتهام مضطرب الحدیث به معلى بن محمد» دانست. در این پژوهش به اثبات رسید که شیخ کلینی، بهره فراوانی را از آثار حدیثی معلى بن محمد بصرى برده و بخش‌های حساس و بحث‌انگیز مجموعه حدیثی خویش، همچون کتاب الحجّة را بر پایه آن منابع سامان داده است. چگونه پذیرفتنی است که از شیخ کلینی، با تعبیری چون: «کان اوثق الناس و اثبتهم» یاد شود و کتابش، رکن حدیث شیعه قلمداد گردد، اما نگارنده یکی از مهم‌ترین مصادر آن -یعنی معلى بن محمد- به «اضطراب در حدیث و مذهب» متهم شود؟! از این رو پس از تفکیک نقش طریقی و تألیفی

۱. پرواضح است که پرداختن به این اتهام و تحلیل و راستی‌آزمایی آن، مجالى وسیع و جدا می‌طلبد که امید است در نگاشته دیگری از همین قلم، تدوین و به جامعه علمی تقدیم گردد.



معلی، نه تنها احادیث برآمده از نقش طریقی‌اش مورد اعتماد دانسته شد بلکه احادیث برگرفته از آثار وی نیز در زمره احادیث پذیرفتنی جای می‌گیرد. اعتماد فراوان کلینی و نیز تصریح نجاشی به پذیرفتنی بودن آثار وی، در کنار انطباق معارف برآمده از احادیث وی بر معتقدات امامیه، نشانه‌ای روشن در اعتماد به نقش تألیفی معلی بن محمد است.

کتابنامه:

۱. استرآبادى، محمد بن على، منهج المقال فى تحقيق احوال الرجال، تعليق وحيد بهبهانى، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۲۲ق.
۲. ابن غضائرى، احمد بن الحسين بن عبيدالله، الرجال، تحقيق سيد محمدرضا حسيني جلالى، قم: دار الحديث، ۱۴۲۲ق.
۳. برقى، احمد بن عبدالله بن احمد، الرجال، تحقيق حيدر البغدادي، قم: مؤسسة الامام الصادق عليه السلام، ۱۴۳۳ق.
۴. حسيني شيرازى، عليرضا، اعتبارسنجى احاديث شيعه؛ زيرساخت ها فرايندها پيامدها، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۸ش.
۵. شوشترى، محمدتقى، قاموس الرجال، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۶. شيخ طوسى، محمد بن الحسن، الرجال، تحقيق قيومى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش.
۷. _____، الفهرست (للطوسى)، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۱۷ق.
۸. عمادى حائرى، محمد، بازسازى متون كهن حديث شيعه (روش، تحليل، نمونه)، قم: مؤسسه علمى فرهنگى دار الحديث، ۱۳۸۸ش.
۹. عليارى تبريزى، على بن عبدالله، بهجة الآمال فى شرح زبدة المقال، تصحيح مسترحمى، تهران: بنياد كوشانپور، چاپ دوم، ۱۴۱۲ق.
۱۰. علامه حلى، حسن بن يوسف، خلاصة الاقوال فى معرفة الرجال، تحقيق جواد قيومى، قم: مؤسسه نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
۱۱. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، تصحيح على اكبر غفارى، تهران: دار الكتب الاسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۲. مفيد، عباس، تاريخ حديث مكتوب شيعه، قم: معارف اهل بيت عليه السلام، چاپ دوم.
۱۳. مامقانى، عبدالله، تنقيح المقال فى علم الرجال، تحقيق محيى الدين مامقانى، قم: مؤسسة

آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۲۴ ق.

۱۴. نجاشی، احمد بن علی، الرجال، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ششم، ۱۳۶۵ ش.

نرم افزارها:

۱۵. جامع الاحادیث (نور)، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، ویرایش ۱۳۹۰/۳/۵ ش.
۱۶. درایة النور، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، ویرایش ۱۳۸۵/۱/۲ ش.